

عدالت خواهی در اشعار شاعران آفریقایی و پیام زنان شاعر آفریقا

عصمت هاشمی^۱

چکیده

این مقاله به تبیین مباحث مشترک فرهنگی در سروده‌های برخی از شاعران آفریقایی می‌پردازد. بخش عمده‌ای از دغدغه‌های ملت آفریقا که در آثار این شاعران فرهیخته انعکاس یافته مفاهیم آزادی خواهی، برابری، مبارزه با تبعیض نژادی و فساد است. بسیاری از این شاعران از فعالان جامعه مدنی، تحصیل کرده و از مهاجرین به غرب یا پناهندگان بوده و دارای سوابق فرهنگی چون روزنامه نگاری هستند. مفاهیمی که در راستای هویت یابی و عشق به سرزمین مادری و احیای سنت‌های فرهنگی اجتماعی در اشعار آنان جلوه‌گر می‌شود قادر است احساس همدردی و تحسین مخاطبین را برانگیزد. این تحقیق در جستجوی پیام‌های اجتماعی برخی از شاعران معاصر آفریقایی می‌کوشد فریاد بلند عدالت خواهانه آنان را از لابلای زنجیرهای نامرئی تحمیلی استعمارگران شنیده و با پژوهش‌های پی‌درپی، بهار عدالت و تکامل انسانیت را از زبان اشعار حماسی به نسل‌های آینده نوید دهد. روش تحقیق توصیفی و با اشاره به ترجمه آثار انگلیسی برخی از شاعران و نویسندگان مشهور معاصر آفریقایی و درباره اشتراکات آثار آنها است.

واژگان کلیدی: عدالت خواهی، شاعران آفریقایی، تبعیض نژادی، زنان

^۱ دانشجوی دکتری مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

شعر زبان احساس و عاطفه بشر از گذشته‌های دور بوده و لالایی مادران مهربان با آهنگ موزون، اولین خاطرات هر کودکی را می‌سازد. شعر در بستر احساس با عطر ایثار و در جهت تربیت و شکوفایی قیام می‌کند تا بشر دنیای اخلاقی‌تری را تجربه کند. گاه مرهمی بر دل‌های رنج‌دیده و محروم مظلومین می‌نهد و گاه فریادی ویران‌گر بر ساختارهای بهره‌کشی و زیاده‌خواهی‌های شیطنی می‌شود.

آفریقا سرزمین گسترده‌ای از معادن غنی و انسان‌های فقیر است. آفریقا سرشار از انرژی حیات و شور و هیجان ملّتی با هویتی لرزان است. آفریقا سرزمین انسان‌هایی است که برای بقا و هویت خود پایداری نموده و هیچ ملّتی را به زنجیر بردگی نکشیده است. اشعار آفریقا در ضمیر تک‌تک فرزندانش طعم انسانیت و آزادی می‌دهد و همه انسان‌های آزاده جهان را به تحسین آن همه کرامت و مهربانی فرامی‌خواند.

شعر آفریقا به رغم سادگی و روشنایی نگاه و کلام به هیچ وجه شعر آسانی نیست. تجربه مشترک بسیاری از این شاعران، زندگی در کشوری استعمار شده یا تلخی تبعید و اسارت در زندان‌های حاکمان دیکتاتور و فاسد است. شاعر آفریقایی بر خلاف هم‌تایان آمریکایی یا اروپایی خود مجالی برای فلسفه بافی ندارد. دانسته‌های او محدود به کتاب‌ها و نشریات و نتایج طبقه بندی شده کنفرانس‌ها و سخنرانی‌ها نیست. او از سرچشمه‌های درونی سیراب می‌شود. دردها و رنج‌های خود آزموده نتایجی تجربی برای او به ارمغان می‌آورد که خود را سخنگوی استثمار شده‌ها، عقب‌افتاده‌ها و توده بی‌سواد می‌داند و چاره‌ای ندارد که صاف و صریح و روشن حرف بزند و هیچ کس به اندازه او چشم سوم ندارد (حسن زاده، ۱۳۸۱).

روش تحقیق:

با توجه به ترجمه اشعار از زبان فرانسه به انگلیسی و از زبان انگلیسی به فارسی، در تحلیل مفاهیم عدالت طلبانه از روش توصیفی مقایسه‌ای استفاده شده است.

۱- شعر زبان عدالت‌خواهی و مرثیه ستمدیدگی

اسلام دین تسلیم در برابر خدای یگانه است که شهادت به وحدانیت او حبلُ المتین وحدت و یکپارچگی انسان‌هاست تا با گسستن همه زنجیرهای بردگی و بندگی غیر خدا، آزادی حقیقی و عزت انسانی را به همه انسان‌ها صرف‌نظر از تفاوت ملیت، رنگ، نژاد و زبان هدیه دهد. اولین معلم انسان خداوند بخشنده‌ای است که اراده نموده با ابزار بیان معانی خلق شده و در قالب کلمات بروز و تجلی یابد. او که نظم و نثر و کلام آرام و دلنشین را پسندیده می‌داند و با فصیح‌ترین کلام انسان را مورد خطاب قرار می‌دهد، برای مظلومی که در انزوا است و کلامش شنیده نمی‌شود فریاد ستمدیدی و عدالت خواهی را جایز می‌داند: "لَا يُجِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ" (نساء: ۱۴۸). ادبیات همواره ظرف محتوای احساسات بشر بوده و ابزار موثر تعلیم، تربیت، گسترش اخلاق و فرهنگ و زمینه ساز تمدن‌های انسانی با تکیه بر ایجاد رابطه و تفاهم بین افراد است. اوج شکوفایی ادبیات در هنر شعر و نظم سخن تجلی می‌یابد. نغمه‌هایی که از بدو تولد با زبان مادری و لالایی موزون در گوش هر انسانی موسیقی توازن و لطافت را زمزمه می‌کند. در زمان خطر، سرود حماسی مقاومت از بستر همین نظم برخاسته و نظام دفاع اجتماعی را پشتیبانی می‌کند و در فضای فقدان عزیزان یا دوری و جدایی از هم‌زمان نیز آیه‌های سوگ شاعران بر قلب‌های مجروح و منتظر مرهم می‌نهد.

زبان شعر که زبان ستمدیدگان عالم است با زبان مناجات و نفرین کلمات جادویی و موسیقی محرکی ساخته است که در طول تاریخ مردان و زنان بی شماری برای ابراز پیام و احساسات خود از آن بهره برده‌اند.

اگر دنیا، ادبیات شفاهی را نادیده گرفته یا در ادبیات مکتوب گزینشی برخورد می‌کند، اگر صداهای آهسته و نجوای مخالف کمتر شنیده می‌شود دلیل بر نبود آنها نیست. در دنیایی که پوست سیاه نادیده گرفته می‌شود و قاره سیاهان به زنجیر استثمار در می‌آید زبان عدالت خواهی ستمدیدگان برای مطالبات فرهنگی زبان شعر است. مرثیه خوان قربانیان این همه ظلم و بی‌عدالتی زنان و مادران سیاهپوست این قاره هستند که گویی همه شاعرانی گمنام‌اند. از میان این شاعران آفریقایی کسانی بوده‌اند که نماینده دیگران شده و پیام

مردمان‌شان را به گوش دنیا رسانده اند. وجه مشترک آثار منظوم بیان ظلم، فریاد عدالت خواهی، رفع تبعیض، دعوت به اشاعه آموزش و پرورش و پیام صلح و دوستی جهانی است.

۲- خصوصیات اشعار قاره سیاه

شعر آفریقا محصول برداشت‌های منفی شاعران این قاره از استثمارگران اروپایی است که همچون دیواری در برابر تحوّل فکری و اجتماعی آفریقایی‌ها ایستاده‌اند. شاعران آفریقا از حوزه‌های مختلف برای آزادی از این قید و بند کوشیده‌اند اما تنها نتیجه‌اش خوردن شلاق بیشتر از استثمارگران بوده است (فرامین، ۱۳۹۷).

مهمترین دغدغه ذهنی شاعران مقاومت این دیار هویت‌یابی است که آن را از طریق غیریت‌سازی و تفکیک مرزهای فرهنگی خود با استثمارگران امکان‌پذیر می‌دانند. مولفه‌های غیریت‌سازی در شعر مقاومت آفریقا در دو محور پایداری و تجدید حیات فرهنگی به نمایش درآمده‌اند. (فرخ‌نیا، نارجی، ۱۳۹۲).

اولین صفحه‌نمایشگر اعتقادات و احساسات انسان تراوشاتی است که از ذهن بر زبان جاری می‌شود و تجربیات تلخ از حوادث روزگار، ظلم و بی‌عدالتی حکام محلی، زنجیر استثمار خارجی فرهنگ اقوام آفریقایی را مملو از فریاد تظلم و داد خواهی نموده است. کشورهای نظیر آفریقای جنوبی، نیجریه و لیبی پرچمدار ادبیات آزادی خواهی و سیاهپوش از سوگ ستم‌دیدگانی هستند که سکوت‌شان برای آن است که گوش شنوایی برای صدای آنها نیست. «ازنوا اهایتو»^۱ (۱۹۸۴) با این اعتقاد که سکوت زنان آفریقایی باید شکسته شود بخشی از ادبیات زنان شاعر نیجریه‌ای را گردآوری کرده است. (بامگبوز، ۲۰۱۲)

«فریده حسن زاده» (۱۳۸۱) مترجم آثار شعرای زن مشهور جهان و مجموعه شعر آفریقایی معاصر معتقد است غنی‌ترین اشعار آفریقایی معاصر در دوران جنگ‌های ضد استعماری

^۱ Esenwa Ohaeto.

سروده شده که از سال ۱۹۴۷ میلادی در ماداگاسکار آغاز و تا به امروز در آفریقای جنوبی ادامه یافته است. شعر آفریقا در کمال قدرت سهم خود را از زندگی می‌طلبد و به توصیف عشق، شوریدگی، خشم، امید و مکاشفه می‌پردازد. بی‌شک تاثیری که شعر آفریقا به ذهن خواننده می‌گذارد اندوه یا نومییدی مطلق نیست. قاره آفریقا و شعرش هنوز ملامال از احساس جوانی و سرزندگی، تولد دوباره و امکانات نیازموده است؛ با اعتقادی عمیق به تداوم و حفظ سنت‌هایی که هویت آفریقا را از پس قرن‌ها غارت و تجاوز حفظ کرده است. شاعران آفریقایی آشکارا بر این باورند که وظیفه آنها نه تنها مرثیه سرایی بر فرصت‌های از دست‌رفته و مصایب جبران‌ناپذیر وارده، بلکه تحرک بخشیدن به جوامع و هویت دادن به آرمان‌های تجدیدطلبانه است.

کشور الجزایر شاهد بزرگترین انقلاب‌ها در جهان عرب در قرن بیستم بوده است. انقلابی که به حضور ۱۳۰ ساله استعمار فرانسه خاتمه داد و تمامی اقشار جامعه الجزایری در انقلاب و شکل‌گیری و ساماندهی مقاومت مردم نقش داشتند. در این میان نقش ادبا و به‌ویژه شعرا برجسته بود. «مفدی زکریا» از جمله این شاعران است که به دلیل احساسات صادقانه و حضور فعال در این مبارزه، جایگاه خاصی را در شعر مقاومت الجزایر به خود اختصاص داده؛ به گونه‌ای که «شاعر انقلاب الجزایر» نامیده شده است. زکریا در برانگیختن احساسات و عواطف مردم وثبت و وصف حوادث مبارزه مردم الجزایر نقش بسزایی ایفا نمود. (قادری، ۱۳۸۹)

در آفریقا مانند همه جوامع، حوزه شعر و ادبیات وظیفه سنگین مطالبات اجتماعی مردم رنج‌دیده از فقر، بی‌سوادی و خشونت‌های نژادپرستانه را دنبال کرده است. در این میان، زنان هرچند در ادبیات مکتوب همچنان نادیده گرفته شده‌اند ولی بخش اعظم ادبیات شفاهی و محلی را سینه به سینه به نسل‌های بعد منتقل کرده‌اند. علاوه بر این تاکید بر تجربیات زنانه، موضوع عشق و رفع تبعیض جنسیتی و مبارزه با سنت‌های غلط و نیز هنر مرثیه سرایی از جمله شباهت‌های بارز زنان شاعر در این قاره است. آسیه جبار از جمله

¹ Moufdi Zakaria

زنان شاعر الجزایری است که در میان هنرمندان معاصر آفریقا لقب «بانوی قلم آفریقا» را در قرن بیستم دریافت کرده است.

خشم انقلابی شعر آنگولا، حسرت اندوه‌بار شعر موزامبیک، صدای قدرتمند ضداستعماری شعر سنگال و نیجریه، صراحت و ستیزندگی شعر اوگاندا و کنگو، معجونی زیبا و روح انگیز از شعر آفریقای معاصر آفریده است. به نمونه‌هایی از تجربیات ستمدیدگی در بخشی از کتاب شعر آفریقای معاصر ترجمه فریده حسن زاده اشاره می‌کنیم:

در شعر «بازگشت» سروده «جوفر روشا»^۱ از آنگولا شاعر می‌سراید:

«هنگامی که از سرزمین تبعید و سکوت باز می‌گردم با شاخه‌های گل به پیشوازم نیا

ای کاش شبنم‌ها را برایم ارمغان آوری

قطره‌های اشک سپیده‌دمانی که مصایب را شهادت داده‌اند.

ای کاش عطش سیراب‌ناپذیر عشق را برایم ارمغان آوری

و شکوه تمناهای متورم‌جسم را در شب‌های ستاره‌باران

ای کاش شب‌های بی‌خواب و قرار بی‌انتهایم را برایم ارمغان آوری

شب‌های مادران داغدار را، با آغوشی محروم از پسران شجاع‌شان

به‌هنگامی که از سرزمین تبعید و سکوت باز می‌گردم با شاخه‌های گل به پیشوازم نیا»

نمونه‌ای دیگر از شعر انقلابی «جرج ربلو»^۲ در شعر «سنگ صبور»:

«بیا برادر بیا و شرح حالت را برایم بگو نشانم ده بر پیکرت جای زخم‌های انقلاب را که

دشمن بر جای گذاشته است، بیا و درد دل کن برایم.

این داستان شکسته من زیرا دفاع کردند از سرزمینی که متعلق به آنهاست.

این تن شکنجه دیده من زیرا خم نشد در برابر دشمن متجاوز

این دهان شکافته من زیرا با شهامت تمام ترانه آزادی ملت را خواند

برادر بیا و بازگو روایتی از رویاهای انقلاب را

بگو این رویاها چگونه بدل می‌شوند به جنگ، به تولد قهرمانان، به سرزمین ظفریافته

^۱ Jofre Rocha

^۲ Jorge Rebelo

به مادرانی که بی واهمه، پسران خود را به جنگ می فرستند.....نگاه کن درسرزمین ما گلوله
ها گل کرده اند.»

شعری از شاعر کشور غنا «کوفی آوونور»^۱
«اینجا بر لبه برهنه اندوه، کلاغها با یکدیگر در ستیزند
به خاطر پس مانده های سور عید دنیایی سرد و بی ترحم می بینم از روزنه سلولم
پس این دملی چرکین است که می آزارد ملت ها را»

۳- نقش زنان آفریقایی در فرهنگ سازی

با تأکید بر نقش مادر و زبان مادری در تربیت هر نسل که از خانواده آغاز می شود، زنان سیاه پوست در نقش تربیتی خود به دلیل سخنوری و شجاعت، گوی سبقت را از دیگر زنان ربهوده اند. فارغ از حضور نقش آفرین شعرای زن در تمام اعصار، قرن حاضر برای زنان، قرن زنان شاعر است (حامد توسلی، ۱۳۹۰). زنان آفریقا با وجود مشکلات اقتصادی و فقر فرهنگی، در زمینه اخلاق عملی و صلح جویی بی تفاوت و منفعل نبودند. به نظر «امینه مغربی»^۲ زنان بهتر از مردان و مؤثرتر از آنان می توانند در زمینه صلح و ساختن کشور عمل کنند، چون مذاکره کنندگان بهتری بوده و به سبب اجتناب از خشونت دولت مردان بهتری نیز هستند.

مطالعات «گابریل بامگبوز»^۳ نشان می دهد شاعران زن سطح بالایی از سیاست های و وضعیت فرهنگی را در موضوعات شعری خود مطرح می کنند.

¹ Kofi Awoonor

² Amina Megheribi

³ Gabriel Bamgboss

مردان همیشه در مرکز قدرت سیاسی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی و حتی فضای ادبی بوده اند و زنان را به عقب رانده اند. اکنون، زنان حتی در شمال آفریقا (زنان از محرومیت‌ها و تبعیض‌های مضاعفی رنج می‌برند) از طریق سرودن اشعار از حاشیه نشینی و انزوا خارج شده اند، با مردان رقابت کرده و صدای شاخص خود را در ادبیات نیجریه دارند. ادبیات نیجریه که زمانی طولانی از نگاه یک چشمی برخوردار بود اکنون از دید کامل دو چشمی برخوردار است و با نگاه زنانه - مردانه داستان‌های خود و مردمانش را روایت می‌کند.

انتقاد از حاکمان مستبد با زبان رندی و دوپهلوی شعر یا زبان بهلول وار در جامه دیوانگی، در فرهنگ اقوام گوناگون مشاهده می‌شود. اُبیورا اُدچوکا^۱ در مجموعه اشعار «آنچه مرد دیوانه گفت» به انتقاد غیرمستقیم از جامعه، از زبان مرد دیوانه آواره می‌پردازد که به دلیل سخنان حکمت آمیزش در میان مردم محبوبیت دارد ولی به دلیل تظاهر به دیوانگی مسئول سخنانش شناخته نمی‌شود.

به نظر می‌رسد زنان نیز با استفاده از این سپر فرضی و جدی گرفته نشدن کلام‌های انتقادی‌شان از سوی مردان و جامعه مردسالار حداکثر بهره را از این موقعیت مجازی می‌برند. زبان نیایش و نفرین که معمولاً در ادبیات و شعر جلوه بیشتری دارد نوعی ادبیات مظلومانه و زنانه تصور می‌شود که انتقال درد، فشار، تخلیه هیجانی و ابراز ترس را توسط افراد ستمدیده امکان پذیر می‌سازد.

نمونه‌ای از بیان افراطی احساسات و تخلیه هیجانی با تکیه بر زمینه‌های هویت‌یابی در اشعار «اساندر نی وی»^۲ در مجموعه «دنیا یک تخم مرغ است» به چشم می‌خورد. «آمادیوم»^۳ شاعر دیگری است که در شعر «شاهد چهارم» به دزدان خرده پا و فساد در نیجریه اشاره می‌کند. اینکه هرکس با بیان اینکه سهمش را گرفته دزدی خود را توجیه می‌کند.

^۱ Obiora Udechukwa

^۲ Osunder Niyi

^۳ Amadiume

از دیگر کشورهای آفریقایی نیز زنان شاعر، افکار انسانی خود را در قالب شعر به جامعه عرضه کرده‌اند. به اعتقاد «مادوکر»^۱، «اوگان‌دپ لس لی»^۲ شاعری است بلندپرواز از لاگوس؛ با اشعار عقلانی و حکمت آمیز؛ با دعوت آشکار به بصیرت و مجموعه اشعارش سرشار است از عشق و اضطراب. (بامگبوز، ۲۰۱۲)

بسیاری از شاعران زن این منطقه علاوه بر سرودن، در نویسندگی نیز شهرت جهانی یافته‌اند. «نیره وحید»^۳ شاعر و نویسنده آفریقایی-آمریکایی، شاعری تأثیرگذار در فضای مجازی است. موضوعات غالب اشعارش عشق، هویت، نژاد و برابری زنان با مردان است. اشعار او خوانندگان را وادار می‌کند تا دوباره با نگاهی نو به زندگی خود بنگرند.

۴- شعر مقاومت و عدالت طلبی زنان آفریقا

وجوه مشترک بسیاری از شاعران آفریقایی و شاعران زن آفریقا که شهرت جهانی دارند فعالیت هنری، نویسندگی، روزنامه نگاری، تحصیلات و زندگی در غرب یا غربت با تجربه مهاجرت و پناهندگی به کشورهای دیگر است. این افراد با آشنایی به زبان انگلیسی ضمن تأکید بر هویت ملی خود، بخشی از ادبیات زنانه کشورهای خود را از زبان‌های محلی و فرانسه به انگلیسی ترجمه کرده‌اند. باید اذعان داشت علاوه بر این آثار، ادبیات شفاهی گسترده و زنان شاعر گمنامی در قاره آفریقا بوده و هستند که زمزمه‌هایی را در گوش فرزندان خود می‌خوانند که پیام‌شان در بهار جنبش‌های رهایی بخش ترجمه می‌شود.

¹ Madukar

² Ogunidipe-Leslie

³ Nayyirah Waheed

شاعرانی چون «فاطمیما محمود»^۱، «للیلا نی‌هوم»^۲ و «مریم سلامه»^۳ از کشور لیبی از جمله شاعران زن عرب بوده‌اند که در دوران سرکوب شدید قذافی به عنوان روزنامه‌نگار با سرودن اشعار مقاومت در بیداری جامعه سهمی مؤثر داشته و مردان مبارز را همراهی نمودند. مبارزه با تبعیض نژادی و مبارزه‌های سیاسی همراه با مطالبات حقوق برابر برای زنان، ترجیح‌بند عدالت‌طلبی مشترک در اشعار و آثار فعالان اجتماعی زن است که از شمال آفریقا تا جنوب آن برخاسته و طنین دادخواهی خود را به گوش جهانیان رسانده است. نمونه‌هایی از این مشاهیر در تحقیق حاضر معرفی یا به آثارشان اشاره شده است.

علاوه بر «آسیه جبار» بانوی قلم آفریقا، «نصیرا بلولا»^۴ نیز روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر الجزایری است که از فعالان حقوق بشر و حقوق زنان بوده و اشعاری به نام «دروازه‌های خورشید» را منتشر کرده است. «کتی نیویا باندی»^۵ از شهر بوجومبورا^۶ از فعالان سیاسی و زن شاعری است که سروده‌هایش در موضوعات اجتماعی، بیزاری از جنگ و نیز اهمیت زنانگی را به چاپ رسانده است. «هریت آننا»^۷ از اوگاندا با مجموعه اشعار «یک ملت در بند» از فعالان حقوق زن و مبارزان سیاسی است. او در آثار خود به بیان سختی زندگی در سایه جنگ و زیر فشار اشتباه‌های سیاسی می‌پردازد.

بسیاری از زنان شاعر در اهمیت تربیت، عزت و نفس، خودباوری، تأکید بر زنانگی با تجربیات خاص مادری (مانند تولد فرزند) اشعاری سروده و منتشر کرده‌اند. «وارسان شایر»^۸ شاعر و نویسنده سومالیایی در موضوعات جنسیت، جنگ و مسائل فرهنگی صاحب آثاری نظیر «آموزش به مادرم که چگونه فرزند به دنیا بیاورد» و «مردان ما به ما تعلق ندارند»

¹ Fatima Mahmoud

² Lelila Neihoum

³ Maryam Salama

⁴ Nassira Belloula

⁵ Ketty Nivya bandi

^۶ بزرگ‌ترین شهر و بندر اصلی کشور بوروندی است

⁷ Herriet Anena

⁸ Warsan Shire

است. این عنوان و نگاه زنانه، یادآور شعر زیبای فریده حسن زاده، شاعر و مترجم ایرانی برنده «جایزه پوشکارت»^۱ است. "در جواب دخترم که پرسید چرا مرا به دنیا آوردی؟" «زیرا سال‌های جنگ بود و من نیازمند عشق برای چشیدن طعم آرامش. زیرا بالای سی سال داشتم و می‌ترسیدم از پژمردن پیش از شکفتن و غنچه دادن. زیرا طلاق واژه ای است تنها برای مرد و زن نه برای مادر و فرزند. زیرا تو هرگز نمی‌توانی بگویی مادر سابق من حتی وقتی جنازه ام را تشییع می‌کنی و هیچ چیز در این دنیا نمی‌تواند میان مادر و فرزند جدایی افکند حتی نفرت یا مرگ و تو بیزاری از من، زیرا تو را به دنیا آورده ام تنها بخاطر ترسم از تنها ماندن و هرگز مرا نخواهی بخشید تا زمانی که خود فرزندی به دنیا آوری، ناتوان از تاب آوردن خاکستر سوزان رویاها و آرزوهای دور و درازت» از اتیوپی نیز زن شاعری به نام «لیو لیبسکال»^۲ در موضوعات هویت، آوارگی و دوری از وطن اشعاری سروده است.

«تسی تسی جاجی»^۳ شاعر زن زیمباوه ای از مبارزان و فعالان جنبش زنان با سروده‌های خود نماینده بخشی از خواسته های زنان هموطن خود است.

در بین تمام کشورهای آفریقایی گویی آفریقایی جنوبی مرکز شاعران زن آفریقایی است. می‌توان نمونه های فراوانی را برشمرد. زنانی مانند «گابیببا بادرون»^۴ و «جینا ملوپ»^۵ در مبارزات ضد تبعیض نژادی با سروده های حماسی خود شهرت یافته اند. «اینگرید دکوک»^۶ و «شیلا کاسونز»^۷ نیز در موضوع برابری حقوق زنان اشعار خود را منتشر نموده اند.

^۱ pushcart award

^۲ Liyou Libskal

^۳ Tsi tsi Jaji

^۴ Gabeba Baderoon

^۵ Geina Mhlope

^۶ Ingrid Dekok

^۷ Sheila Cussons

فعالیت‌گسترده نویسندگان و شاعران زن آفریقای جنوبی در امور فرهنگی نتایج چشمگیری در تحوّل جامعه داشته است. خانم لبوماشیل^۱ نویسنده کتاب «پرواز بر فراز آسمان»، شعر را ابزار قدرتمندی در تحولات اجتماعی و سیاسی آفریقای جنوبی بعد از آپارتاید می‌داند. از مردان الجزایری «مفدی زکریا» بیریق شعر را برای مبارزه با استعمار در الجزایر برافراشت. از جمله زنان الجزایری هموطن او «آسیه جبار قدم» است که پا جای پای این شاعر انقلاب الجزایر نهاد. «مفدی زکریا» شعر را وسیله ای برای بر زمین کوبیدن ستمکاران، راندن-شیاطین، درهم کوبنده بت‌ها، ابزار اصلاح و انسان‌سازی و برافرازنده پرچم نهضت می‌دانست. «سرود انقلاب الجزایر» و «سرود ملی الجزایر» از جمله سروده های اوست. تاثیر پذیری از قرآن و تاریخ اسلام از ویژگی های شعر او به‌شمار می‌آید (قادری، ۱۳۸۹)؛ همچون «کوفی آنی دوهو»^۲ اهل غنا که مسئولیت شعرا را انعکاس دردهای مردم جامعه اش می‌داند: «آیا رواست دل سپردن به حدیث نفس شاعران، هنگامی که کابوس های سرزمین ما زاینده آرزوهای غریب است و کودکان ما خواسته های خود را بر ریگزارهای این سرزمین نقش می‌کنند؟»

آیا رواست کاویدن در رویاهای برج عاج نشین شاعران هنگامی که مردم ما زباله دانی‌های این سرزمین را با سرانگشتان خود می‌کاوند؟
آیا رواست به خواب و خیال گذراندن و سخن گفتن به زبان‌های بیگانه و شامپاین نوشیدن در ضیافت مجلل مردمان پر غرور هنگامی که مردم ما هسته‌های خرما را با دندان می‌شکنند؟

رواست آیا غرق شدن در رویای ماه و ستارگان هنگامی که سرزمین ما در تملک ما نیست؟»

^۱ Lebo Mashile

^۲ Kofi Anyidoho

نتیجه‌گیری

شعر امروز آفریقا گویی نه تنها منعکس‌کننده احساسات و عواطف شخصی، بلکه سخنگوی رنج‌ها و محرومیت‌های توده گمنام است و مخاطبان آن مبارزانی جان‌برکف با عزمی خلل‌ناپذیرند.

در دنیای پراشتهاب امروز که تشنه‌ایمان و امید به آینده است، انتظار می‌رود شاعران به نمایندگی از مظلومان قاره سیاه، با بازگشت به هویت انسانی خود پرچمدار انسانیت و عدالت‌طلبی گشته و نغمه صلح و آزادگی را در سراسر جهان طنین‌افکن نمایند.

متأسفانه ترجمه زیادی از آثار زبان‌های محلی آفریقایی یا از زبان فرانسوی به انگلیسی و فارسی در دسترس ما نیست. این خود به مظلومیت بیشتر این قاره و مردمان محروم آن دامن می‌زند. ندیدن بخش عمده‌ای از جامعه انسانی و نشنیدن صدای مظلومیت آنها توسط جهانیان، داستان غم‌انگیز و سکوت بی‌پایانی را در برابر مطالبات انسانی این مردم رقم می‌زند تا دنیای سفید تبعیض‌نژادی دغدغه‌ای برای سیاه‌پوستان و مطالبات اهالی قاره سیاه احساس نکند.

منابع

- حامد توسلی، سوده (۱۳۹۰). «حق طلبی زنان در شعر معاصر»، شبکه اجتماعی حقوق‌دانان.
- درزاده، محمدرضا (۱۳۸۹). «بانوی قلم الجزایر»، روزنامه اطلاعات، ادبیات جهان.
- جاجیتو، آنتونی و دیگران (۱۳۸۱). مجموعه شعر آفریقایی معاصر، ترجمه فریده حسن زاده مصطفوی، تهران: نشر ثالث.
- فرامین، احمد (۱۳۹۷). «فریاد های ما را راهی به بیکران نیست»، نگاهی کوتاه به شعر آفریقا.
- فرخ نیا، مهیندخت و نارجی، مژگان (۱۳۹۲)، «بررسی شعر مقاومت آفریقایی جنوبی با تکیه بر دیدگاه پسااستعمارگرایی»، نشریه ادبیات پایداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ۵، شماره ۹.
- قادری، فاطمه (۱۳۸۹)، «مفدی زکریا و شعر مقاومت الجزایر»، نشریه ادبیات پایداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال ۱، شماره ۲.
- Emezue . Gloria(1984) , «styling contemporary post-colonial African Poetry» , the rhetoric of boots and curses , 14th international language , literature and stylistics symposium.
- Lockett . cecily , (1992), «south African women’s poetry : A Gynocritical perspective» . Tulsa studies in women’s Literature . Vol . 11 , No . 1
- Shenoda . Matthew , (2017),« Verse Africa : The Malleable poetics of some contemporary African poets». retrieved from <https://www.worldliteraturetoday.org>
- Bamgbose ,Gabriel sunday(2012), «Modern African Poetry and the issue of Gender : The Nigerian literary Scene».Research on Humanities and Social Sciences, Vol 2, No.11, retrieved from [https://www.academia.edu/2381331/Modern African Poetry and the Issues of Gender The Nigerian Literary Scene](https://www.academia.edu/2381331/Modern_African_Poetry_and_the_Issues_of_Gender_The_Nigerian_Literary_Scene)